

بغدادی، بهاءالدین — بهاءالدین بغدادی خوارزمی

بغدادی، جنید (ابوالقاسم) — جنید بغدادی

بغدادی، خطیب — خطیب بغدادی

بغدادی، سندی بن ربیع — سندی بن ربیع

بغدادی، شکرین احمد، عالم، فقیه، متکلم و ادیب شیعی قرن سیزدهم و چهاردهم. در ۱۲۷۲، در محله کرخ بغداد متولد شد. مقدمات علوم را در زادگاه خود فرا گرفت و در ۱۲۹۲ برای تکمیل تحصیلات به نجف مهاجرت کرد. بغدادی پس از گذراندن دروس پایه، سالها از درس فضلا و استادان بزرگ حوزه نجف، از جمله شیخ محمدحسین کاظمی، شیخ محمد طه نجف و سید محمد بحر العلوم استفاده کرد (آقابزرگ طهرانی، ج ۱، قسم ۲، ص ۸۴۲) و از سید علی آل بحر العلوم طباطبایی اجازه روایت گرفت (حرزالدین، ج ۲، ص ۱۰۸). بغدادی از فضایی بزرگ حوزه نجف شمرده می‌شد و جماعتی از فضایی آنجا در درس وی شرکت می‌کردند. سید محمد صادق آل بحر العلوم از جمله شاگردان او در نجف بوده است (آقابزرگ طهرانی، همانجا). بغدادی در ۱۳۳۳ به بغداد بازگشت و در آنجا به نشر علم پرداخت. یکی از شاگردان وی توفیق فکیکی^۵، حقوقدان و نویسنده بزرگ بغدادی است که در مقاله‌ای در مجله الغری، به شرح حال استاد خود پرداخته و او را از اجلة علمای بغداد شمرده است (همان، ج ۱، قسم ۲، ص ۸۴۳). شکر، علاوه بر تدریس و تربیت علمای دین، منشأ خدمات اجتماعی بسیار، از جمله تأسیس مدرسه جعفریه در بغداد، بوده است. وی اولین عالم شیعی است که پس از تشکیل محاکم شرعی جعفری مدنی بر مسند قضا نشست و براساس فقه شیعه قضاوت کرد و مدتی نیز سرپرستی مجمع تشخیص شرعی جعفری را به عهده داشت. بغدادی پس از سالها خدمت علمی و اجتماعی انزوا گزید و در منزل خود یا در مسجد زرکشی کرخ به عبادت و تدریس مشغول شد. او در ۱۳۵۷ درگذشت. از وی اثر تألیفی باقی نمانده است (همان، ج ۱، قسم ۲، ص ۸۴۳-۸۴۴).

منابع: محمدحسن آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعة، جزء ۱: نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، مشهد ۱۴۰۴؛ محمدبن علی

بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر (ابومنصور)، فقیه شافعی، متکلم اشعری و ریاضیدان.

(۱) شرح حال و آثار. از محل و سال ولادت او اطلاعی در دست نیست؛ به‌طوری که از نسبتش برمی‌آید، احتمالاً در بغداد و در حدود ۳۴۰ زاده شده و به‌همراه پدرش، طاهر بن محمد، به نیشابور رفته و در آنجا سکنی گزیده است. بغدادی از قبيلة تمیم بود، و بدین سبب او را تمیمی نیز خوانده‌اند. طاهر بن محمد (متوفی ۳۸۳) خود اهل علم و حدیث، خوشنویس و بازرگانی ثروتمند بود (خطیب بغدادی، ج ۹، ص ۳۵۸؛ سبکی، ج ۳، ص ۴-۳، ج ۵، ص ۱۳۸؛ اسنوی، ج ۱، ص ۹۶). پدر و پسر، هر دو، به نیکخویی و بخشندگی مشهور بودند. گفته‌اند که عبدالقاهر تمام اموال موروثی خود را در راه علم انفاق کرد و دچار فقر و تنگدستی شد. علاقه فراوان وی به یادگیری علوم و فنون مختلف به‌حدی بود که توانست در چندین علم از جمله فقه، کلام، حساب، ادبیات و حدیث تبحر یابد و به تدریس بپردازد (صریفینی، ص ۵۴۵؛ ابن خلکان، ج ۳، ص ۲۰۳؛ ابن‌کثیر، ج ۱۲، ص ۴۲). گذشته از این، سبکی (ج ۵، ص ۱۳۸) از قول فخررازی در ریاض الموقفة، او را در جدل و رد مخالفان ستوده، و همو در طبقات الوسطی مناظراتی از بغدادی ذکر کرده که مبین چیره‌دستی و توانمندی وی در مناظره کلامی و فقهی است (همان، ج ۵، ص ۱۴۵-۱۴۶، پانویس ۴).

عبدالقاهر نزد استادانی چون ابواسحاق ابراهیم بن محمد اسفراینی^۶ (متوفی ۴۱۸)، فقیه شافعی و متکلم اشعری، تحصیل کرد. از دیگر استادان او، از جمله استاد او در علم حساب، نامی برده نشده است. او از ابوعمرو بن نجید، ابوعمرو محمد بن جعفر بن مَطر، ابوبکر اسماعیلی و ابواحمد بن عدی استماع حدیث کرده، و بیهقی و عبدالغفار بن محمد بن شیرویه از وی روایت حدیث کرده‌اند. به ادعای برخی، بیشتر بزرگان و اهل نظر خراسان از شاگردان عبدالقاهر بوده‌اند که از آن میان می‌توان ناصر مروزی و ابوالقاسم قشیری^۷ را نام برد (ابن خلکان؛ صریفینی، همانجا؛ سبکی، ج ۵، ص ۱۳۶-۱۳۷). بنابر گزارش صریفینی (ص ۵۴۵-۵۴۶)، ابومنصور در ۴۲۹ بناچار نیشابور را به قصد اسفراین ترک کرد و در همان سال در آنجا از دنیا رفت و در کنار استادش، ابواسحاق، به خاک سپرده شد. احتمالاً این هجرت ابومنصور در ۴۲۹، به سبب ورود ترکمانان سلجوقی به نیشابور و گرفتن قدرت از دست مسعود غزنوی بوده است (راوندی، ص ۹۴-۹۷؛ ابن‌کثیر، ج ۸،